مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳

Urban managment
No.77 Winter 2025

۷-۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

بازماندگی از تحصیل کودکان، نقد سیاست‌های موجود و بررسی نقش تسهیل‌کننده مدیریت شهری و روستایی در حل مسئله

سمیه سادات شفیعی*: استادیار دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
عقیل عزتی گرگری: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
خلیل کمر بیگی: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

چکیده

پدیده‌ی بازماندگی از تحصیل یکی از چالش‌های مهم و چندبُعدی در مسیر تحقق عدالت آموزشی است. بازماندگی از تحصیل کودکان چه براساس مسئولیت‌های قانونی تعیین شده برای دستگاه‌های حاکمیتی و چه به خاطر حساسیت‌های اجتماعی گستردهای که وجود دارد، همواره موردتوجه کارگزاران دولتی و سازمان‌های غیردولتی بوده است. علی‌رغم این مسئولیت‌ها و حساسیت‌ها، متأسفانه نرخ بازماندگی از تحصیل کودکان افزایش بیشتری پیدا کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و نقد قوانین، سیاست‌ها و اقدامات نهادها و دستگاه‌های متولی در خصوص بازماندگی از تحصیل در بین کودکان و بررسی اهمیت نقش تسهیل‌کننده مدیریت شهری و روستایی در حل مسئله، انجام شده است. برای دستیابی به این هدف مجموعه قوانین، سیاست‌ها و اقدامات نهادهای متولی موردبررسی قرار گرفته‌اند. مطالعه از نوع توصیفی بوده و به روش اسنادی انجام شده است. مطابق قانون، سازمان بهزیستی (وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی)، وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت کشور در حوزه بازماندگی از تحصیل، به عنوان یکی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان، مسئولیت دارند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های این برنامه‌ها، فقدان نگاه جامع‌نگر به پدیده کودکان بازمانده از تحصیل و غفلت از ظرفیت‌های موجود برای حل مسئله است. شرایط پیشینی اقتصادی، اجتماعی و سلامت مرتبط با بازماندگی از تحصیل، وضعیت موجودی که کودکان بازمانده از تحصیل تجربه می‌کنند و پیامدهایی که دور بودن از آموزش و تحصیل برای کودکان به همراه خواهد داشت در یک بسته باید موردتوجه قرار گیرد. در کنار آن وضعیت نظام آموزشی و بوروکراسی حاکم بر آن، از جمله انعطاف‌پذیری بسیار کم برنامه‌های رسمی مدارس، وجود و دسترسی‌پذیری و شرایط مدارس (مناسب‌سازی، هزینه‌های ثبت‌نام و ...) و عدم توجه به روش‌های جایگزین و پیش‌رو آموزشی و استفاده از ظرفیت‌های محلی که در اختیار شهرداری‌ها و دهیاری‌ها است، باید موردتوجه بیشتری قرار گیرد. مدیریت شهری و روستایی می‌تواند نقش تسهیل‌گرانه‌ای در کاهش میزان بازماندگی از تحصیل ایفا کند؛ چرا که این سطوح از حکومت، به واقعیت‌های میدانی نزدیک‌تر بوده و ظرفیت بهتری برای طراحی و اجرای سیاست‌های محلی، مداخله‌های اجتماعی و پیگیری وضعیت کودکان دارند.

واژگان کلیدی: بازماندگی از تحصیل، آموزش، حقوق کودک، دانش‌آموز، مدیریت شهری، مدیریت روستایی.

* نویسنده مسؤول: ss.shafiei@ihcs.ac.ir

Out-of-School Children: A Critical Review of Existing Policies and the Facilitating Role of Urban and Rural Governance

Abstract

The phenomenon of out-of-school children is a significant and multidimensional challenge in achieving educational equity. Due to both the legal responsibilities assigned to governmental institutions and the widespread societal concern, this issue has long attracted the attention of public agencies and non-governmental organizations. However, despite these responsibilities and sensitivities, the rate of out-of-school children continues to rise.

This study aims to critically examine the existing laws, policies, and actions taken by the relevant institutions regarding children excluded from formal education, and to explore the facilitating role of urban and rural governance in addressing this problem. To achieve this goal, the relevant laws, policies, and institutional actions were reviewed. The study is descriptive in nature and conducted using a documentary method. According to national law, the State Welfare Organization (Ministry of Labor, Welfare, and Social Affairs), the Ministry of Education, and the Ministry of Interior are officially responsible for addressing school exclusion as a high-risk condition for children. The findings reveal that one of the main weaknesses of current programs is their lack of a holistic approach to the issue of out-of-school children, as well as a disregard for the existing capacities that could help resolve the problem.

It is essential to consider the socioeconomic and health-related antecedents of school exclusion, the current conditions faced by out-of-school children, and the consequences of their detachment from formal education, all within an integrated framework. Moreover, the structure and bureaucracy of the education system—including the rigidity of formal school programs, the availability and accessibility of schools (infrastructure, enrollment costs, etc.), and the neglect of alternative and progressive educational methods—require serious attention. Local capacities, such as those available to municipalities and village administrations, also remain underutilized.

Urban and rural management can play a facilitating role in reducing school exclusion, as these local governance levels are closer to field realities and are better positioned to design and implement localized policies, initiate community interventions, and monitor children's situations effectively.

Keywords: Out-of-school children; education; child rights; students; urban governance; rural governance.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

مطابق اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها بایستی امکان دسترسی برابر به آموزش رایگان و با کیفیت را برای همه کودکان و نوجوانان فراهم نمایند. بر همین اساس دولت‌ها باید در راستای حمایت از خانواده‌های محروم و کم‌بضاعت و همچنین کودکان مناطق دورافتاده سیاست‌ها و برنامه‌های موردنیاز را طراحی و اجرا نمایند.

بازماندگی از تحصیل کودکان، یکی از بدترین و در عین حال رایج‌ترین وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان[1] است. در سال‌های اخیر و به ویژه پس از همه‌گیری بیماری کرونا و تعطیلی فیزیکی مدارس، به نظر می‌رسد که این پدیده گستردگی بیشتری یافته است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی از روند بازماندگی از تحصیل کودکان (۱۴۰۱) با استناد به آخرین آمارهای اعلامی از سوی وزارت آموزش‌وپرورش در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در مقاطع مختلف را بیش از ۹۱۱ هزار نفر و تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را ۲۷۹ هزار دانش‌آموز عنوان می‌کند. (بیات، ۱۴۰۱: ۳). این گزارش نشان می‌دهد که آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در طول هفت سال، بیش از ۲۶ درصد افزایش یافته در حالی که نرخ جذب کودکان به چرخه آموزش همواره پایین بوده است.

یافته‌های تحقیقات مختلف در این حوزه نشان می‌دهد که عواملی چون تبعیض طبقاتی، فقر فرهنگی (وحدتی، ۱۴۰۳)؛ موقعیت‌های نامطلوب در مدرسه، نگرانی‌های مالی، اشتغال در خارج از مدرسه، ازدواج زودرس و بارداری دختران (رجبی‌مشهدی، ۱۴۰۱)؛ درهم‌تنیدگی مسائل خانواده، موانع ساختاری تحصیل، مرارت‌های تحصیلی، تحصیل در احتضار، فشار اجتماعی بدیل‌های تحصیل، ناکارآمدی نظام مراقبت، تصمیم ترک تحصیل، تثبیت ترک تحصیل (اسلامیان، ۱۴۰۱)؛ مردسالاری، فرقه‌گرایی، قبیله‌گرایی و نفوذ قدرت‌های محلی (حیدری، صداقت و میرزایی، ۱۴۰۱)؛ مشکل دسترسی به مدرسه (رائیجی و پیری، ۱۴۰۰)؛ فقر و مهاجرت داخلی و خارجی (نوبهاری، ۱۴۰۰)؛ ضعف در رعایت حقوق برابر، ضعف در تناسب کتب درسی با فرهنگ، زبان و قومیت‌های مختلف، دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت (پوشنه، نوبخت و حسین‌زاده، ۱۳۹۷)؛ مقاومت والدین و مشارکت بچه‌ها در امورات خانگی، محدودیت‌ها و تنگناهای مالی، وضع سواد والدین (جانا، ۲۰۱۴) بر بازماندگی از تحصیل کودکان مؤثر بوده است.

محرومیت از تحصیل، به هر علتی که رخ می‌دهد، زمینه محرومیت کودک از انواع دیگر حقوق او را فراهم می‌کند. تحصیل کودکان چه در سطح مدیریت کلان و قانون‌گذاران و مدیران و چه از منظر گروه‌های مختلف اجتماعی و فعالان مدنی همواره موردتوجه بوده است. از نظرگاه حقوق کودک، آموزش از اساسی‌ترین حقوق هر کودک و محروم کردن او از حق تحصیل مصداق بارزی از نقض حقوق اوست. حق آموزش همگانی و اجباری کودکان، به این معنی است که هیچ کودکی از امکان تحصیل منع نشود و یا به خاطر نداشتن آگاهی و عدم دسترسی آسان و رایگان به آموزش، از تحصیل باز نماند. جامعه جهانی حساسیت این موضوع را به خوبی درک و در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی بر ضرورت آموزش کودکان تأکید کرده است. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد[2]، با صراحت و در ماده ۲۸ و در سه بند، ضمن تصریح بر حق آموزش رایگان، وظایفی را برای کشورهای امضاکننده تعیین کرده است:

ماده ۲۸-

۱- کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را نسبت به آموزش‌وپرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدایی برای همگان.

ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه من‌جمله آموزش حرفه‌ای و کلی در دسترس قرار دادن این‌گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش‌وپرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم

ج - در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب.

د - در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان.

ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

۱- براساس کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است.

۲- مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ میلادی (برابر با ۱۳۶۸/۸/۲۰ هجری شمسی) در مجمع عمومی ملل متحد منتشر شده در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳
Urban managment
No.77 Winter 2025

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۲- کشورهای طرف کنوانسیون، تمام اقدامات لازم را جهت تضمین این که نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شئون انسانی کودکان بوده و مطابق با کنوانسیون حاضر باشد، به عمل خواهند آورد.

۳- کشورهای طرف کنوانسیون، همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش‌وپرورش خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی، تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه خاصی خواهد شد.

در اصل سی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران[1] آمده است که: دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد. همچنین در ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان[2] (۱۳۹۹)، قانون‌گذار با صراحت اعلام می‌دارد که هرگونه موردی که موجب آسیب به وضعیت آموزشی کودک شود، وضعیتی مخاطره‌آمیز است:

ماده ۳- موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.

همچنین در ادامه و در بندهای (ح) و (ز) "بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل" و "فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان" را به عنوان مصداق‌هایی از این وضعیت مخاطره‌آمیز نام برده است. علاوه بر این‌ها، در ماده ۸ همین قانون اعلام می‌دارد «هر کس با تهدید، ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی شود یا اطفال یا نوجوانان را بدین منظور فریب دهد و یا موجبات آن را تسهیل یا فراهم کند، در صورت فرار یا ترک تحصیل، حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه و در صورت تکرار به مجازات فوق محکوم می‌شود» (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان؛ ۱۳۹۹).

علاوه بر حق آموزش به مثابه بخشی از حقوق کودک، بازماندگی از تحصیل ارتباط معناداری با فقر خانواده و کار اجباری کودک برای تأمین معیشت خانواده دارد. محرومیت از تحصیل کودک به علت فقر اقتصادی، چرخه فقر بین نسلی را تشدید می‌کند و کودک بازمانده از تحصیل، فرصت‌های کمتری برای تغییر زندگی و کسب مهارت‌های لازم برای رشد و ارتقاء، دریافت کرده و با درگیر شدن در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز دیگری همچون کار اجباری، بهترین دوره سنی برای دریافت آموزش را از دست می‌دهد. این چرخه معیوب تکرار می‌شود و فقر به عنوان میراث نسل قبل در زندگی کودک باقی می‌ماند.

از دیگر سو شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به عنوان نهادهای محلی و نزدیک‌ترین ساختارهای حکومتی به جامعه، نقش بسیار مهمی در تسهیل دسترسی کودکان به خدمات آموزشی ایفا می‌کنند. این نهادها با شناخت دقیق از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق تحت پوشش خود، توانایی برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات محلی را دارند که می‌تواند موانع بازماندگی از تحصیل را کاهش دهد. به‌کارگیری ظرفیت‌های این نهادها در ایجاد بسترهای آموزشی جایگزین، تسهیل دسترسی به مدارس، حمایت‌های اجتماعی و اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نرخ ترک تحصیل داشته باشد و به تحقق عدالت آموزشی کمک کند.

در این مقاله، ابتدا توصیفی از وضعیت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها در حوزه بازماندگی از تحصیل به عمل آمده، سپس، با رویکردی انتقادی به بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده در خصوص بازماندگی از تحصیل پرداخته و خلأهای موجود در این برنامه‌ها به تصویر کشیده می‌شود. در ادامه به نقش مدیریت شهری و روستایی در تسهیل گری بازگشت به مدرسه یا برخورداری از فرصت آموزشی برای کودکان اشاره خواهد شد.

سؤالات پژوهش

هدف اصلی از انجام این پژوهش مطالعه و تبیین سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دستگاه‌های مسئول در حوزه بازماندگی از تحصیل است. برای دستیابی به این هدف اصلی، به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱-کودکان بازمانده از تحصیل چه جایگاهی در اسناد و سیاست‌های نهادهای متولی دارند؟

۲-بازماندگی از تحصیل در بین کودکان در ایران چه

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ مجلس خبرگان قانون اساسی.

۲- مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی منتشر شده در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

وضعیتی دارد؟

۳-نهادهای متولی در حوزه کودکان بازمانده از تحصیل، کدامند و چه اقداماتی را در این زمینه انجام داده‌اند؟

۴-چه نقدهایی بر اقدامات اجرا شده در حوزه کودکان بازمانده از تحصیل وارد است؟

۵- مدیریت شهری و مدیریت روستایی چه نقشی در تسهیل حل مسئله بازماندگی از تحصیل می‌تواند داشته باشد؟

پیشینه تجربی

وحدتی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی علل بازماندگی از تحصیل در بین دانش‌آموزان و عواملی که باعث افت عملکرد درسی آن‌ها می‌شود آورده است که توجه به فرایند درسی دانش‌آموزان به خصوص آن‌هایی که در یادگیری دچار ضعف هستند. اهمیت بسیار بالایی دارد. پیگیری‌های لازم از سوی خانواده می‌تواند نقش بسیار مهمی در پیشرفت درسی دانش‌آموز داشته باشد. در صورتی که پیگیری‌های معلم کافی نباشد و یا خانواده به اندازه کافی در خانه فعالیت و تمرین لازم را نداشته باشند. دانش‌آموز می‌تواند دچار افت تحصیلی شود. در چنین شرایطی، اگر موضوع به صورت حاد باشد؛ و عواملی دیگر نیز دخیل باشند. کودک می‌تواند به راحتی بازمانده از تحصیل شود. کودکان بازمانده از تحصیل در تعاریف. کودکانی هستند که به دلیل تبعیض طبقاتی، فقر فرهنگی و سایر محدودیت‌ها و محرومیت‌ها ۱ از تحصیل بازمانده‌اند؛ کودکانی با گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال که با وجود اینکه نیازمند رفتن به مدرسه هستند؛ اما به دلایل مختلفی در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی مشغول به تحصیل نیستند.

حیدری، صداقت و میرزایی (۱۴۰۱) پژوهشی را با عنوان فرایندهای تولید و بازتولید بازماندگی از تحصیل در استان سیستان و بلوچستان انجام داده‌اند. این پژوهش با هدف فهم منطق بازماندگی از تحصیل در استان سیستان و بلوچستان انجام گرفته است. نتایج تحلیل نشان داده است سطوح ساختاری و زمینه‌ساز همچون پهنه جغرافیایی و فقر و محرومیت شدید، زمانی که با فرایندهای فرهنگی میان‌برد همچون مردسالاری، فرقه‌گرایی، قبیله‌گرایی و نفوذ قدرت‌های محلی و زمینه‌های خرد همچون نگرش‌های منفی و بحران در احساس اعتماد و گستردگی خانواده تلاقی می‌کند، چرخه‌ای پدید می‌آید که منتج به بازماندگی می‌شود. عناصر مختلف این چرخه یکدیگر را تقویت می‌کنند و زمینه را برای بروز بازماندگی و دیگر بحران‌های هم‌ارز فراهم می‌آورند. درباره یافته‌ها با نظر به مفهوم بازتولید و همچنین رویکرد سیستمی بحث و بررسی شد.

صادقی (۱۴۰۱) پایان‌نامه تحصیلی خود را با عنوان "واکاوی عوامل مؤثر بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در نواحی روستایی از دیدگاه والدین و دانش‌آموزان" انجام داده است. پژوهشگر می‌آورد که بازماندگی از تحصیل یکی از جلوه‌های افت تحصیلی است، وقتی راجع به افت تحصیلی موضوعی مطرح می‌شود، مقصود تکرار پایه تحصیلی در یک دوره و ترک تحصیل پیش از پایان دوره و نیز شامل جنبه‌های مختلف شکست، چون غیبت از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر و کیفیت پایین تحصیلات است. بازماندگی از تحصیل به این معنا است که دانش‌آموزان قبل از اتمام آخرین سال دوره آموزشی که در آن ثبت‌نام کرده‌اند آن دوره را به هر دلایلی ترک کنند.

رجبی‌مشهدی (۱۴۰۱) پایان‌نامه تحصیلی با عنوان بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ سال و با هدف شناسایی جنبه‌های مختلف ترک تحصیل در ایران و با ارائه راهکارهای عملی از ترک تحصیل دانش‌آموزان انجام داده است. پژوهشگر معتقد است ترک تحصیل پدیده‌ای است که برای فرد موردنظر، خانواده و حتی جامعه اثرات زیان‌بار بسیاری به همراه دارد و پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت. عوامل بسیاری در ترک تحصیل فرزندان دبیرستانی خانوارهای ایرانی وجود دارد که به‌طور کلی عبارتند از: موقعیت‌های نامطلوب در مدرسه، نگرانی‌های مالی، اشتغال در خارج از مدرسه، ازدواج زودرس و بارداری دختران، دسترسی نابرابر به آموزش‌وپرورش. نرخ بالای ترک تحصیل در سال‌های پایانی دبیرستان منجر به کاهش درآمد فردی در سال‌های آینده می‌شود، درنتیجه جوانان کم‌درآمد که از ادامه تحصیل سر باز زدند و تمایل کمتری به کسب علم و دانش دارند، سرمایه علمی در کشور را کاهش داده و جامعه از وجود نیروی کار متخصص بی‌بهره می‌ماند.

اسلامیان (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان تبیین فرایند ترک تحصیل در مقطع ابتدایی و تدوین خلاصه‌ی سیاستی انجام داده است. بخش اول این مطالعه به روش زمینه‌ای انجام شده است. نتایج این بخش نشان می‌دهد که «محجوریت تحصیل» متغیر مرکزی پژوهش بود و سایر طبقات را به هم پیوند می‌زند. طی فرایند تحلیل داده‌ها ۱۰ طبقه اصلی دیگر پدیدار شد که عبارتند از فرایند ناکامل گذار از آموزش سنتی، کودکی فراموش‌شده، درهم‌تنیدگی مسائل خانواده،

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳
Urban managment
No.77 Winter 2025

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

موانع ساختاری تحصیل، مرارت‌های تحصیلی، تحصیل در احتضار، فشار اجتماعی بدیل‌های تحصیل، ناکارآمدی نظام مراقبت، تصمیم ترک تحصیل، تثبیت ترک تحصیل.

رائیجی و پیری (۱۴۰۰) پژوهشی را با هدف بررسی حق بر آموزش در بین دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل انجام داده‌اند که به صورت موردی و توصیفی دلایل بازماندگی از تحصیل در نظام آموزش ایران و محله دفتر تسهیلگری و توسعه محلی انجیراب و افسران گرگان را موردبررسی قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که در محله انجیراب ۹/۱۶ درصد درمجموع علت عدم ادامه تحصیل خود را مشکل دسترسی به مدرسه، ۰/۳۶ درصد ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها، ۰/۸ درصد شاغل بودن جهت کمک به خانواده، ۰/۳۶ درصد عدم علاقه به تحصیل و ۱/۳ درصد معلولیت جسمی اظهار نموده‌اند.

نوبهاری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان گزارشی از وضعیت علل و پیامدهای آن، با استفاده از روش مرور نظام‌مند به‌مرور و بررسی پژوهش‌های حوزه کار کودکان در ایران پرداخته شده است. یافته‌های نشان می‌دهد پژوهش‌های این حوزه بیشتر تعداد محدودی از کار کودکان را موردمطالعه قرار داده‌اند؛ به عبارت دیگر اشکال مورد مشاهده کار کودکان مانند کارهای در خیابان، کار در برخی از کارهای تولیدی و یا برخی کارهای کشاورزی موردمطالعه قرارگرفته است در حالی که اشکال پنهان‌تر کارهای کودکان به ویژه بدترین اشکال کار کودکان کمتر موردمطالعه قرارگرفته است. همچنین بیشتر مطالعات بر کار کودکان در شهر تهران تمرکز دارند و کمتر به مطالعه کار کودکان در مناطق دیگر پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد عواملی مانند فقر و مهاجرت داخلی و خارجی از علل عمده کار کودکان است. پیامدهای کار کودکان عبارت است از بازماندگی از تحصیل، ترک تحصیل و برخی از پیامدهای زیستی، روانی و اجتماعی. مبارزه با فقر، توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار، منع قانونی کار کودکان و توجه به آموزش و تحصیل کودکان ازجمله مهم‌ترین پیشنهادها برای حذف کار کودکان است.

سیاح و چراغی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر افراد بازمانده از تحصیل در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه روستاهای استان زنجان انجام داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل مرتبط بر ترک تحصیل این افراد بوده است. در بعد فردی این نتایج به دست آمد که در شهر طارم و افشار عوامل فردی از میانگین بالاتری برخوردار بود و در شهرهای انگوران و ابهر عوامل فردی از میانگین پایین‌تری برخوردار است. نتایج همچنین نشان داد که از نظر بعد آموزشی شهرهای ابهر و ماهنشان از میانگین بالاتری نسبت به سایر مناطق برخوردار بود و در این مناطق عوامل آموزشی بیشتر منجر به بازماندن از تحصیل می‌شود؛ اما در شهر طارم عوامل آموزشی کمتری تأثیر در بازماندن از تحصیل دارد.

پوشنه؛ نوبخت و حسین‌زاده (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان بررسی تحقق فرصت‌های عادلانه‌ی آموزشی در مقطع ابتدایی شهر تهران بر پایه قانون برنامه پنجم توسعه کشور انجام داده‌اند. یافته‌های بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد نشانگر ضعف در رعایت حقوق برابر، ضعف در تناسب کتب درسی با فرهنگ، زبان و قومیت‌های مختلف، دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت، ضعف در تحقق زمینه مناسب برای تحصیل بازماندگان از تحصیل، ضعف در توجه به تدریس ادبیات براساس قومیت‌ها، ضعف در رعایت استانداردهای مربوط به نسبت دانش‌آموز به معلم، ضعف در رعایت نسبت دانش‌آموز به فضای تراکم دانش‌آموزان، توزیع نابرابر نیروی انسانی مجرب، ناعادلانه بودن منابع مالی، بی‌توجهی به توسعه و گسترش آموزش بوده است.

جانا[1] (۲۰۱۴) در تحقیقی در بین مدارس ابتدایی کشور بنگال نشان داده است که مقاومت والدین و مشارکت بچه‌ها در امورات خانگی، محدودیت‌ها و تنگناهای مالی[2]، وضع سواد والدین و عدم توجه و اهمیت کافی به درس خواندن دختران به اندازه پسران، از جمله علل اساسی ترک تحصیلان بوده است.

هونگمی[3] و همکاران (۲۰۱۲) با بررسی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع متوسطه مناطق فقیر چین به این نتیجه رسیدند که با وجود حمایت دولت از خانواده‌های فقیر اما هنوز هم فقر به عنوان مهم‌ترین عامل، در بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان مؤثر است.

ملاحظات مفهومی

قبل از اینکه به مباحث نظری حوزه بازماندگی از تحصیل و ترک بپردازیم لازم ابتدا مفاهیم اصلی این حوزه تعریف و حوزه مفهومی آن‌ها مشخص گردد. در ادامه تعاریف مفاهیم اصلی ارائه شده است.

سیاست‌گذاری اجتماعی: به مجموعه فرآیندها و اقداماتی گفته می‌شود که توسط نهادهای دولتی و غیردولتی با هدف

1. Jana
2. Fianincial constraint
3. Hongmei Yi

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

تنظیم، هدایت و بهبود رفاه اجتماعی، عدالت آموزشی و کاهش نابرابری‌ها در جامعه انجام می‌گیرد. در زمینه بازماندگی از تحصیل کودکان، سیاست‌گذاری اجتماعی شامل طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها و قوانینی است که تلاش می‌کنند موانع دسترسی به آموزش را کاهش داده و شرایط یادگیری عادلانه و فراگیر را برای همه کودکان فراهم کنند. این سیاست‌ها نیازمند همکاری بین بخشی و استفاده از ظرفیت‌های محلی مانند شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای تسهیل اجرای مؤثر و پاسخگو به نیازهای واقعی کودکان در محیط‌های شهری و روستایی هستند.

دانش‌آموز: دانش‌آموز از لحاظ لغوی به معنی کسی است که دانش می‌آموزد و در اصطلاح، برای اطلاق به محصلان رسمی در سطح تحصیلات پیش از دانشگاه به کار می‌رود. در تعریف اصطلاحی، دانش‌آموز فردی است که در محدوده سنی ۶ تا ۲۰ سال قرار می‌گیرد و به تحصیل در یکی از مقاطع تحصیلی در مراکز آموزشی کشور پیش از تحصیلات دانشگاهی مشغول است.

حقوق دانش‌آموز: حقوق دانش‌آموزی شامل کلیه حقوقی می‌باشد که یک فرد در حال تعلیم و یا به سبب تعلیم در نظام آموزش‌وپرورش کشور از آن بهره‌مند می‌باشد. واژه در حال تعلیم به حضور فیزیکی دانش‌آموز در محیط آموزش اشاره دارد و واژه به سبب تعلیم به حضور دانش‌آموز در خارج از محیط آموزش رسمی اما در قالب دانش‌آموزی (مانند حضور دانش‌آموز در اردو) اشاره دارد (منشور ملی حقوق کودک، ۱۳۸۳: ۳)

بازماندگی از تحصیل: تعارف متفاوتی از افراد بازمانده از تحصیل ارائه شده است؛ اما به صورت کلی کودکان بازمانده از تحصیل کودکانی هستند که به دلیل تبعیض طبقاتی، جنسیتی، فقر فرهنگی و سایر محدودیت‌ها، از تحصیل بازمانده‌اند؛ کودکانی با گروه سنی ۶ تا ۱۷ سال که به‌رغم لازم‌التعلیم بودن در مقاطع مختلف تحصیلی، به دلایل عدیده در هیچ یک از مقاطع مشغول به تحصیل نیستند. این کودکان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: **گروه اول:** کودکانی هستند که از همان ابتدا از ورود به چرخه آموزشی محروم شده و از سواد بی‌بهره مانده‌اند. این کودکان در حقیقت "بی‌سوادان مطلق" محسوب می‌شوند. **گروه دوم:** کودکانی که در زمان مناسب، یعنی شش سالگی وارد مدرسه و سیستم آموزشی شده اما پس از گذشت چند سال به دلایل متعدد، ناگزیر به ترک تحصیل شده‌اند. اغلب کودکان این گروه از سنین اندکی برخوردارند و تحت اجبار والدین یا فشارهای معیشتی و اقتصادی وارد بازار کار شده و بدین ترتیب از ادامه تحصیل باز مانده‌اند (Research Cultural and Social of Deputy، ۲۰۱۹؛ به نقل از حدادمقدم و شهبازیان، ۱۴۰۱: ۱۳۳).

ترک تحصیل: دانش‌آموزانی که زودتر از موعد مقرر مدرسه را ترک می‌کنند و یا قبل از اتمام یک دوره قادر به ادامه تحصیل نبوده و به ناچار مدرسه را ترک می‌کنند. ترک تحصیل معمولاً به دنبال تکرار پایه و ناتوانی و عدم کارایی مدرسه می‌باشد. همچنین ترک تحصیل منجر به افزایش بی‌سوادی در جامعه می‌شود (حکمتی‌جاه، همکاران، ۱۴۰۱؛ به نقل از رنجه، ۱۴۰۱: ۱)

افت تحصیل: به معنای کمبود و نقصان در فرایند تحصیل است. یا به عبارت تحت‌اللفظی آن بخش علل آمار تجدیدی و مردودی دانش‌آموزان است (بیابانگرد، ۱۳۹۰). بازماندگی از تحصیل یکی از جلوه‌های افت تحصیلی است، وقتی افت تحصیلی مطرح می‌شود، مقصود تکرار پایه تحصیلی در یک مقطع و ترک تحصیل پیش از پایان مقطع و نیز شامل جنبه‌های مختلف شکست، چون غیبت از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر و کیفیت پایین تحصیلات است (امین‌فر، ۱۳۶۵: ۱۵).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاست‌ها و اقدامات نهادها و دستگاه‌های متولی در خصوص بازماندگی از تحصیل در بین کودکان است. برای دستیابی به این هدف مجموعه سیاست‌ها و اقدامات نهادهای متولی موردبررسی قرار گرفته‌اند. مطالعه از نوع توصیفی بوده و به روش اسنادی انجام شده است. "روش پژوهش اسنادی هم به‌منزله روشی تام و هم تکنیکی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی موردتوجه بوده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های نظری در جامعه‌شناسی خواسته یا ناخواسته، از روش اسنادی بهره می‌برند (احمد، ۲۰۱۰: ۸؛ به نقل از صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۳). جامعه‌ی موردمطالعه این پژوهش را متن قانون اساسی، قوانین برنامه‌های پنج‌ساله اول تا ششم، سند نقشه جامع علمی کشور مصوب سال ۱۳۸۹، سیاست‌های سوادآموزی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، برنامه انسداد مبادی بی‌سوادی مصوب سال ۱۳۹۲، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳
Urban managment
No.77 Winter 2025

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

برنامه‌های اجرایی وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش- تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی کشور بوده است. متن این قوانین، سیاست‌ها و مصوبات از پورتال قوانین مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه‌وبودجه کشور، پورتال شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی کشور و وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش و کار، تعاون و رفاه اجتماعی و همچنین سازمان بهزیستی کشور اخذ شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) سیاست‌گذاری معطوف به حل مسئله بازماندگی از تحصیل

توجه به بازماندگی از تحصیل کودکان چه براساس مسئولیت‌های قانونی تعیین شده برای دستگاه‌های حاکمیتی و چه به خاطر حساسیت‌های اجتماعی گستردهای که وجود دارد، همواره موردتوجه کارگزاران دولتی و سازمان‌های غیردولتی و فعالان مدنی بوده است. علی‌رغم این مسئولیت‌ها و حساسیت‌ها، متأسفانه نرخ بازماندگی از تحصیل کودکان رشد کرده و در سال‌های اخیر به علت همه‌گیری بیماری کرونا و تعطیلی فیزیکی مدارس و آموزش مجازی از یک‌سو و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها از سوی دیگر افزایش بیشتری پیدا کرده است.

مطابق قانون، سازمان بهزیستی (وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی)، وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت کشور در حوزه بازماندگی از تحصیل، به عنوان یکی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان، مسئولیت دارند.

ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، به صراحت اذعان می‌دارد که سازمان بهزیستی، مسئولیت اصلی حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده را برعهده دارد و مکلف است با مشارکت و همکاری تمامی دستگاههای اجرایی و سایر نهادهای حمایتی و با استفاده از مددکاران اجتماعی و در قالب گروه‌های تخصصی سیار یا مستقر فوریت‌های خدمات اجتماعی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع قانون اقدام کند.

در ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، (۱۳۹۹) قانون‌گذار، دستگاه‌ها و نهادهای زیر را در راستای مدیریت بازماندگی از تحصیل مکلف کرده است:

ماده ۶- ت) وزارت کشور مکلف است:

از طریق سازمان ثبت‌احوال کشور با همکاری سایر نهادهای مربوط و با در نظر گرفتن اقامتگاه اشخاص و تغییرات آن، هر سال حداقل سه ماه پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، اسامی و نشانی اطفال و نوجوانان ایرانی و غیرایرانی را که به سن قانونی تحصیل رسیده‌اند، به تفکیک مناطق، به آموزش‌وپرورش اعلام کند. (پیش‌بینی و پایش مستمر)

چ) وزارت آموزش‌وپرورش مکلف است اقدامات زیر را با رویکرد همکاری میان بخشی انجام دهد:

۱- اعلام موارد عدم ثبت‌نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه حسب مورد جهت انجام اقدامات لازم؛

۲-شناسایی، راهنمایی و معرفی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون به نهادهای حمایتی و قضائی جهت انجام اقدامات حمایتی لازم؛

۳- انجام اقدامات لازم جهت ثبت‌نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه؛

همچنین سایر وظایفی که براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، برعهده آموزش‌وپرورش گذاشته شده به شرح زیر است:

بند ۴ ماده ۴۲- وزارت آموزش‌وپرورش مکلف است:

حسب گزارش‌های دریافتی از سازمان ثبت‌احوال کشور، اطفال و نوجوانان بازمانده از تحصیل را شناسایی و چنانچه برای رفع علت ترک تحصیل نیاز به اقدام حمایتی یا قضایی باشد، حسب مورد، موضوع را به سازمان بهزیستی کشور یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اعلام کند.

ماده ۴۳- وزارت آموزش‌وپرورش در تمامی مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به پایش مستمر وضعیت حضور دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی اقدام می‌کند. در صورت شناسایی موارد مشکوک به ترک تحصیل ضمن بررسی موضوع و علت‌سنجی، با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط زمینه حضور مجدد و ادامه تحصیل دانش‌آموز را فراهم می‌کند. در صورت ضرورت انجام اقدامات حمایتی یا مداخله قضایی به جهت بزه‌دیدگی یا وضعیت مخاطره‌آمیز طفل و نوجوان، مدیر مدرسه ضمن اعلام مراتب به آموزش‌وپرورش منطقه یا ناحیه موضوع را فوراً به سازمان بهزیستی یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اعلام کند. دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف به همکاری با وزارت آموزش‌وپرورش در این زمینه هستند.

ماده ۴۵- سازمان نهضت سوادآموزی مکلف است در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

چهارچوب ضوابط و مقررات نهضت سوادآموزی و در صورت درخواست سرپرست طفل و نوجوان یا نهادهای حمایتی، نسبت به آموزش رایگان اطفال و نوجوانانی که به دلایلی مانند شرایط خاص جسمی، کم‌توانی، بیماری، نبود امکانات و شرایط تحصیل، افزایش سن نسبت به مقطع تحصیلی و یا هر دلیل دیگری قادر به ادامه تحصیل در نظام رسمی آموزش‌وپرورش کشور نیستند، اقدام کند.

ب) برنامه‌ها و اقدامات اجرایی دستگاه‌ها و نهادها

در خصوص کودکان بازمانده از تحصیل، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (با محوریت سازمان بهزیستی) و وزارت آموزش‌وپرورش برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کرده‌اند.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

شناسایی دقیق کودکان بازمانده از تحصیل در ایران، برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ و با اجرای طرح «بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل ۶-۱۱ ساله به چرخه آموزش رسمی» به ابتکار معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با همکاری وزارت آموزش‌وپرورش و دیگر دستگاه‌های مسئول در حوزه حمایت اجتماعی از کودکان آغاز شد. (میدری، احمد. گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت: ۱۳۹۶)

در این طرح در وهله نخست کد ملی دانش‌آموزان استخراج و با کد ملی متولدین در سن تحصیل (۶-۱۱ ساله)، تطبیق داده می‌شود تا از این طریق تعداد کودکان بازمانده از تحصیل به دست آید. در مرحله بعد، کد ملی والدین این کودکان از سازمان ثبت‌احوال دریافت می‌شود.

در این مرحله، معاونت رفاه با استفاده از پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خانواده‌های این کودکان را از جمله دهک درآمدی خانوار، عضویت در سازمان‌های حمایتی (بهزیستی و کمیته امداد)، وضعیت بیمه‌ای، بعد خانوار و خارج از کشور بودن، به تفکیک استان و شهرستان استخراج می‌کند.

بعد از تشکیل یک پرونده برای هر کودک بازمانده از تحصیل، با ارسال پیامک و برقراری تماس تلفنی با کودکان شناسایی‌شده، دلایل بازماندگی از تحصیل آن‌ها ردیابی می‌شود. درنهایت این کودکان بنابه دلایل بازماندگی از تحصیل جهت حمایت به نهادهای مختلف معرفی می‌شوند و برای‌شان مشوق‌هایی برای ثبت‌نام و حضور در مدرسه در نظر گرفته می‌شود.

این مشوق‌های چندوجهی ناظر به سلامت جسم و روان شامل مواردی، چون پرداخت‌های نقدی مشروط، خدمات درمانی (با همکاری دانشگاه علوم پزشکی)، خدمات بیمه‌ای سلامت (از طریق سازمان بیمهٔ سلامت)، خدمات مشاوره‌ای (از طریق کلینیک‌های مددکاری تحت نظارت سازمان بهزیستی)، خدمات حرفه‌آموزی (از طریق همکاری اداره کل بهزیستی است آن‌ها با بخش خصوصی) و تشکیل تیم‌های ورزشی برای کودکان عضو طرح (با همکاری بهزیستی و سازمان ورزش و جوانان) می‌شود. درنتیجه اجرای این برنامه در سال تحصیلی ۹۸-۹۹، حدود ۱۴۷ هزار کودک ۶-۱۱ ساله که در مدرسه ثبت‌نام نشده بودند شناسایی شدند و تلاش‌ها برای رفع موانع تحصیلی آن‌ها آغاز شده است.

همچنین معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۷، برنامه‌ای برای پی بردن به علل بازماندگی از تحصیل طراحی و اجرا کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازماندگی از تحصیل کودکان، عمدتاً تحت تأثیر عواملی چون معلولیت، فقر اقتصادی، نوع نگاه فرهنگی خانواده یا جامعه محلی، مشکلات خانوادگی، عدم دسترسی به امکانات و یا متأثر شدن از آسیب‌هایی چون اعتیاد بوده است. (میدری، احمد، سایت اطلاع‌رسانی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷)

براساس آمار سال تحصیلی ۹۷-۹۶، ۹۸ هزار و ۸۴۰ کودک بازمانده از تحصیل در گروه سنی ۶ تا ۱۱ سال شناسایی شدند که اطلاعات ۹۷ هزار و ۴۹۷ کودک در پایگاه رفاه ایرانیان ثبت شده بود. از این تعداد ۱۹ هزار و ۷۱۹ نفر تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار داشتند که شامل ۱۷ هزار و ۴۵ نفر تحت پوشش بهزیستی و ۲۶۷۴ نفر تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) بودند. اطلاعات کودکان تحت پوشش در اختیار بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) قرار گرفت تا به سراغ آن‌ها بروند و پیگیر دلیل بازماندگی از تحصیلشان باشند. از ۹۷ هزار و ۴۹۷ کودک حدود ۷۷ هزار و ۷۸۸ نفر فاقد پوشش حمایتی بودند که از این تعداد با ۵۴ هزار تماس تلفنی طی ۱۵ روز وضعیت ۳۵ هزار و ۸۶۸ کودک تعیین تکلیف شد. بعد از تماس‌ها مشخص شد ۱۶ هزار و ۵۳۰ نفر به مدرسه می‌روند، اما ۱۹ هزار و ۳۳۸ نفر کودک به مدرسه نمی‌روند. ۱۰ هزار و ۱۰۳ نفر معلولیت، ۳۶۱۹ نفر فقر و مشکلات مالی، ۱۷۸۳ مورد فوت کودک و باطل نشدن شناسنامه، ۱۶۵۹ نفر مهاجرت به خارج از کشور، ۱۲۶۸ نفر مشکلات خانوادگی و ۱۰۸۱ نفر دوری از مدرسه را عامل بازماندگی از تحصیل اعلام کردند. همچنین ۶۵۸ نفر اعلام کردند که برای ثبت‌نام مراجعه کرده‌اند، اما ثبت‌نام انجام نشده است و ۵۰۰ نفر هم گفتند فرزندشان در آزمون سنجش پیش از

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳
Urban managment
No.77 Winter 2025

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مدرسه پذیرفته نشده است. ۵۲۹ کودک در مدارس دینی حضور داشتند و ۲۳۷ نفر هم درگیر آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد بودند و همچنین ۱۱۵ نفر هم اعلام کردند سنشان از ۱۱ سال بیشتر شده و به همین دلیل نتوانسته‌اند ثبت‌نام کنند (همان)

بررسی دلایل بازماندگی از تحصیل در این مطالعه نشان می‌دهد که نهادهای مرتبط باید فکری برای پیشگیری از معلولیت بکنند و با رویکرد جذب حداکثری باید ثبت‌نام در مدرسه برای دانش‌آموزان تسهیل شود. براساس نتایج تماس تلفنی با کودکان بازمانده از تحصیل، علل اصلی بازماندگی از تحصیل به ترتیب عبارتند از:

جدول ۳: رتبه‌بندی علل اصلی بازماندگی از تحصیل از دیدگاه کودکان

رتبه‌بندی	عنوان
۱	معلولیت
۲	فقر و مشکلات مالی
۳	فوت کودک و باطل نشدن شناسنامه
۴	مهاجرت به خارج از کشور
۵	مشکلات خانوادگی
۶	دوری از مدرسه و بعد مسافت
۷	مراجعه به مدرسه و عدم ثبت‌نام توسط مدرسه
۸	مردودی در آزمون سنجش پیش از مدرسه
۹	ثبت‌نام در مدارس دینی
۱۰	درگیری در آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد
۱۱	بالاتر بودن سن از ۱۱ سال

وزارت آموزش‌وپرورش

یکی از مهم‌ترین تکالیفی که در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی برای وزارت آموزش‌وپرورش تعیین شده است، آموزش کلیه کودکانی است که در سن تحصیل قرار دارند. در جدول شماره ... اسناد بالادستی الزام‌آور برای وزارت آموزش‌وپرورش در حوزه پوشش تحصیلی و بازماندگی از تحصیل آمده است.

براین اساس، وزارت آموزش‌وپرورش برنامه‌هایی را برای انسداد مبادی بی‌سوادی از یک‌سو و شناسایی و جذب بازماندگان از تحصیل طراحی و اجرا کرده است. در برنامه انسداد مبادی بی‌سوادی که در سال ۱۳۹۲ از سوی وزرای آموزش‌وپرورش و کشور ابلاغ شد و براساس اطلاعات ارائه شده توسط وزارت آموزش‌وپرورش (در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰)، رئوس برنامه‌های اجرا شده در این خصوص به شرح زیر است:

۱- تشکیل کمیته تخصصی انسداد مبادی بی‌سوادی در سطح استان، شهرستان‌ها و مناطق آموزشی.

۲- انعقاد تفاهم‌نامه چارچوب همکاری‌های مشترک (تقسیم وظایف) در برنامه شناسایی، جذب، آموزش و نگهداشت کودکان بازمانده از تحصیل گروه سنی ۱۱-۶ ساله دوره ابتدایی با مشارکت دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و دستگاه‌های متناظر استانی.

۳- برگزاری جلسات تخصصی با نمایندگان دفتر آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دفتر فرهنگی و اجتماعی معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری.

۴- ارسال مشخصات اسمی کودکان ۶ ساله (دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹) به استان‌ها با هدف تطبیق با مشخصات دانش‌آموزان پایه اول ثبت‌نام‌شده در سامانه سناد و برنامه‌ریزی برای افزایش جذب خالص پایه اول ابتدایی، افزایش پوشش دوره ابتدایی و کاهش آمار بازماندگان از تحصیل.

۵- برگزاری کلاس‌های جبرانی، فوق‌برنامه و مکمل برای دانش‌آموزان بازمانده و تارک از تحصیل جذب‌شده.

۶- ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها و دانش‌آموزان تارک و بازمانده از تحصیل دارای مشکلات یادگیری.

۷- ارائه خدماتی همچون سرویس ایاب و ذهاب، توزیع بسته‌های غذایی، لوازم‌التحریر، پوشاک و سایر مایحتاج به‌صورت رایگان برای جذب و نگهداشت دانش‌آموزان در مدارس.

۸- استفاده از ظرفیت و پتانسیل و حمایت‌های مادی و معنوی مؤسسات خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند شناسایی و آموزش کودکان بازمانده و تارک از تحصیل.

۹- توسعه آموزش‌های پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی.

۱۰- اجرای برنامه‌های اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی با استفاده از برنامه‌های پرمخاطب شبکه استانی جهت آگاه‌سازی عوامل اجرایی مدارس و اولیای دانش‌آموزان تارک و بازمانده از تحصیل؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۴: مواد قانونی مرتبط با پوشش تحصیلی و بازماندگی از تحصیل[1]

عنوان	مفاد
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	اصل سی‌ام: دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.
پیام امام خمینی (ره) به مناسبت تشکیل نهضت سوادآموزی، ۱۳۵۸	اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته‌کننده برای مبارزه با بی‌سوادی به‌طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنید تا انشالله در آینده‌ای نزدیک هرکسی نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد.
قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش‌وپرورش، ۱۳۶۶	بند «۸» ماده (۱۰)- زیر پوشش قراردادن کلیه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی
طرح اجرایی سوادآموزش (شورای عالی انقلاب فرهنگی)، ۱۳۶۶	۱. در جهت تحقق اصل سی‌ام قانون اساسی وزارت آموزش‌وپرورش طرح اجرایی آموزش اجباری برای کودکان لازم‌التعلیم را (زیر ۱۰ سال) تهیه نموده و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم کند.
قانون برنامه پنج‌ساله اول توسعه، ۱۳۶۸	خط‌مشی‌ها: ۶-۳. ایجاد امکانات آموزشی لازم برای تمامی کودکان لازم‌التعلیم. خطوط کلی سیاست‌ها: ۱. تحت پوشش آموزشی قراردادن کلیه افراد واجب‌التعلیم در بخش‌های محروم.
قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، ۱۳۷۳	تبصره «۶۲»- دولت موظف است تمهیدات لازم برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی را فراهم آورد.
قانون تشکیل شورای آموزش‌وپرورش در استان‌ها و شهرستان‌های کشور،۱۳۷۲	بند «۱۸»: تلاش در گسترش آموزش‌وپرورش عمومی و تحت پوشش قراردادن کلیه اطفال واجب‌التعلیم منطقه، به‌طوری که هیچ یک از آنان از تحصیل باز نمانند.
قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه، ۱۳۸۳	بند «ب» ماده (۵۲)- اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش‌وپرورش اعلام می‌کند به‌طوری که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد.
سیاست‌های سوادآموزی (شورای عالی انقلاب فرهنگی)، ۱۳۸۵	ماده (۱)- وزارت آموزش‌وپرورش، با هدف «انسداد ورودی بی‌سوادی» از طریق افزایش «نرخ جذب خال کودکان ۶ ساله» و «پوشش واقعی کامل لازم‌التعلیمان» موظف است انعطاف و نوآوری‌های لازم را در روش‌ها، ضوابط آموزشی، روندها و رویه‌های اداری صورت دهد.
دستور مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷	- وزارت آموزش‌وپرورش جهت مسدود نمودن ورودی بی‌سوادی در افراد لازم‌التعلیم (گروه سنی زیر ۱۰ سال) اقدام لازم به عمل آورد تا کلیه این گروه تحت پوشش مدارس قرار گرفته و ورودی بی‌سوادی در این گروه سنی به صفر می‌رسد.
دستور دوم مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹	- نهضت سوادآموزی تا پایان برنامه پنجم همچنان به عنوان سازمان وابسته به آموزش‌وپرورش، زیر نظر و با مسئولیت وزیر محترم باقی خواهد ماند و در مورد چگونگی ادامه آن در همان زمان تصمیم‌گیری خواهد شد. - وزارت آموزش‌وپرورش حداکثر طی سه ماه برنامه جدیدی را برای به صفر رساندن بی‌سوادی در کشور تا پایان برنامه پنجم، تدوین و همه ظرفیت‌های خود را برای تحقق آن بسیج نماید.
سند نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹	۳-۲. اهداف بخشی نظام علم و فناوری: ۱. پوشش کامل دوره آموزش عمومی
سند تحویل بنیادین ۱۳۹۰	راهکار ۱-۵. تعمیم دوره پیش‌دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی‌الامکان با مشارکت بخش غیردولتی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و تربیت‌بدنی و اجتماعی
برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳	رویکرد برنامه: پوشش کامل افراد بازمانده از تحصیل دوره ابتدایی

۱ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ گزارش بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش‌وپرورش ۱۴۰۱-۱۳۹۳

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳
Urban managment
No.77 Winter 2025

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۱۱- برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی جهت توجیه عوامل اجرایی مدارس و اولیای دانش‌آموزان تارک و بازمانده از تحصیل.

۱۲- توجه و تأکید بر آموزش کودکان با نیازهای ویژه از طریق توسعه و تجهیز مراکز مشکلات یادگیری (جوابیه معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش، روزنامه خراسان، ۱۳۹۹ و باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۹)

از سال ۱۴۰۱ معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش، سامانه شناسایی افراد بازمانده از تحصیل با نام «سامانه شهید محمودوند» را راه‌اندازی کرده است. این سامانه ذیل سامانه جامع دانش‌آموزی کشور (سیدا) تعریف شده است و با اتصال به درگاه ثبت‌احوال، از طریق مقایسه جمعیت لازم‌التعلیم با فهرست ثبت‌نام سیدا، افراد خارج از سیستم آموزشی را شناسایی و با اختصاص فرد پیگیری‌کننده برای تک‌تک بازماندگان اقدام به جذب کرده و دلایل بازماندگی را هم احصا می‌کند. جلسات استانی این طرح با مشارکت چندین دستگاه و با محوریت آموزش‌وپرورش برگزار می‌شود.

بنابه گفته معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش‌وپرورش، در این سامانه با یکپارچه‌سازی اطلاعات ملی، وضعیت دقیق کودکان بازمانده از تحصیل مشخص شده و «به صورت میانگین برای هر پنج کودک بازمانده از تحصیل، یک پیگیری‌کننده جهادی از بین فرهنگیان اختصاص پیدا کرده و این پیگیری‌کننده به درب منزل تک‌تک این کودکان مراجعه و وضعیت آن‌ها را در سامانه شفاف اعلام کرده است» (طریفی‌حسینی، ۱۴۰۳) در سامانه مذکور دلایل، اقدامات و شیوه جذب، آموزش و نگهداشت کلیه کودکان بازمانده از تحصیل در گروه سنی ۶ تا ۱۱ سال احصاء می‌شود. (مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش‌وپرورش؛ ۱۴۰۳)

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌های اجرا شده برای کودکان بازمانده از تحصیل، اگرچه حرکتی رو به جلو است اما همچنان خلأهایی داشته و نتوانسته است به اهداف خود دست پیدا کند. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های این برنامه‌ها، فقدان نگاه جامع‌نگر به پدیده کودکان بازمانده از تحصیل است. شرایط پیشینی اقتصادی، اجتماعی و سلامت مرتبط با بازماندگی از تحصیل، وضعیت موجودی که کودکان بازمانده از تحصیل تجربه می‌کنند و پیامدهایی که دور بودن از آموزش و تحصیل برای کودکان به همراه خواهد داشت در یک بسته باید موردتوجه قرار گیرد. در کنار آن وضعیت نظام آموزشی و بوروکراسی حاکم بر آن، از جمله انعطاف‌پذیری بسیار کم برنامه‌های رسمی مدارس، وجود و دسترسی‌پذیری و شرایط مدارس (مناسب‌سازی، هزینه‌های ثبت‌نام و ...) و عدم توجه به روش‌های جایگزین و پیشرو آموزشی باید موردتوجه بیشتری قرار گیرد.

۱- انعطاف‌پذیر کردن ساختار رسمی آموزش‌وپرورش: بخشی از کودکان بازمانده از تحصیل، کودکانی مجبور به کار هستند که بنابه عواملی چون فقر یا ساختار فرهنگی جامعه محلی، در دوره‌هایی از سال و یا در زمان‌هایی مشخص از روز نمی‌توانند در کلاس‌های رسمی درسی مشارکت کنند؛ مثلاً در مناطق مختلف کشور و در فصل برداشت محصول، برخی از کودکان نمی‌توانند برای مدتی در مدرسه حاضر شوند. تجربه زیسته نگارندگان در مدرسه "کودکان کار ستاک[1]" نشان داد کودکانی که در کارگاه‌ها و یا مغازه‌ها کار می‌کنند، تنها در روزهای مشخصی از هفته و ساعات معینی از روز، امکان مرخصی گرفتن از کارفرمایانشان برای حضور در کلاس‌های آموزشی را دارند. ساختار رسمی آموزش‌وپرورش باید برای این دسته از کودکان تمهید ویژه‌ای بیندیشد و یا با برون‌سپاری این وظیفه به سازمان‌های مردم‌نهاد، هزینه آموزش آنان را متقبل شود.

شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با در اختیار قرار دادن محل‌هایی برای آموزش این دسته از کودکان می‌توانند تسهیل‌گری کنند. تجربه مراکز پویاشهر در تهران که با همکاری شهرداری تهران و سازمان‌های غیردولتی فعالیت می‌کنند می‌تواند الگوی خوبی باشد.

۲- توجه به کودکان با نیازهای ویژه: یکی دیگر از گروه‌های کودکان بازمانده از تحصیل، کودکان دارای معلولیتی هستند که بنابه دلایل مختلفی چون نداشتن هزینه ایاب و ذهاب و مناسب نبودن مدارس برای این دسته از کودکان از تحصیل بازمانده‌اند. از این رو ضروری است با همکاری بهزیستی این کودکان شناسایی و با تخصیص اعتبار، هزینه رفت‌وآمد آنان تأمین شود. همچنین مدارس مورد استفاده این کودکان در حد امکان برای استفاده معلولین متناسب‌سازی شوند.

۱ - موسسه توانمندسازی کودکان «ستاک امید کودک» یک سازمان غیردولتی مردم‌نهاد است که در موضوع آسیب‌های اجتماعی، در زمینه ارائه خدمات به کودکان د شرایط دشوار از جمله کودکان کار و کودکان بازمانده از تحصیل فعالیت می‌کند و برنامه‌هایی برای توانمندسازی اجتماعی، شغلی، آموزش و سلامت کودکان تحت پوشش طراحی و اجرا کرده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۳- مشروط کردن نظام حمایتی به آموزش کودک: برای کودکانی که بنابه دلایل اقتصادی و فقر از تحصیل بازمانده‌اند نظام حمایت اجتماعی ویژه‌ای طراحی شود که علاوه بر توانمندسازی خانواده برای تأمین معیشت، پرداخت‌های حمایتی از قبیل یارانه، منوط به حضور کودکان در نظام آموزشی باشد.

۴- استفاده از ظرفیت‌های محلی در مناطق دورافتاده: در مناطق دورافتاده‌ای که امکان حضور و اقامت معلمان از جمله معلمان زن رسمی آموزش‌وپرورش وجود ندارد، می‌توان از ظرفیت‌های محلی برای آموزش کودکان استفاده کرد. جذب افراد تحصیل‌کرده و مقیم در جامعه روستایی و عشایری و یا تأمین مالی سازمان‌های مردم‌نهاد محلی، برای آموزش کودکان روستایی و عشایر در مناطق دورافتاده از جمله این برنامه‌ها می‌تواند باشد.

۵- استفاده از ظرفیت سازمان‌های تخصصی غیردولتی و قدرت‌افزایی این سازمان‌ها: سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه کودکان کار و کودکان بازمانده از تحصیل، به علت حاکم نبودن بوروکراسی رسمی آموزشی، از انعطاف‌پذیری بیشتری در مواجهه با کودکان بازمانده از تحصیل و برنامه‌ریزی برای آموزش آن‌ها برخوردار هستند. تعامل سازنده با این ظرفیت اجتماعی و دخیل کردن آنان در تصمیم‌سازی‌ها برای کودکان بازمانده از تحصیل و پشتیبانی لجستیکی می‌تواند مؤثر باشد.

۶- استفاده از ظرفیت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها: همچنین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به عنوان نهادهای محلی و نزدیک‌ترین ساختارهای حکومتی به جامعه، نقش بسیار مهمی در تسهیل دسترسی کودکان به خدمات آموزشی ایفا می‌کنند. این نهادها با شناخت دقیق از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق تحت پوشش خود، توانایی برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات محلی را دارند که می‌تواند موانع بازماندگی از تحصیل را کاهش دهد. به‌کارگیری ظرفیت‌های این نهادها در ایجاد بسترهای آموزشی جایگزین، تسهیل دسترسی به مدارس، حمایت‌های اجتماعی و اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نرخ ترک تحصیل داشته باشد و به تحقق عدالت آموزشی کمک کند.

علاوه بر این، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها می‌توانند به عنوان پل ارتباطی میان خانواده‌ها، مدارس و دستگاه‌های دولتی عمل کرده و هماهنگی‌های لازم را برای حل مشکلات کودکان بازمانده از تحصیل فراهم آورند. مدیریت محلی با استفاده از منابع و امکانات خود می‌تواند زمینه‌های مشارکت فعال جامعه و نهادهای غیردولتی را فراهم سازد و برنامه‌های حمایتی و پیشگیرانه‌ای را در سطح محلات و روستاها پیاده کند؛ بنابراین، تقویت نقش تسهیل‌گرانه این نهادها در سیاست‌های آموزشی و اجتماعی، گامی اساسی در جهت کاهش بازماندگی از تحصیل و ارتقای کیفیت زندگی کودکان محسوب می‌شود.

پیشنهادهای اجرایی

- شناسایی و احصاء دقیق عوامل مؤثر بر بازماندگی و اتخاذ رویکرد پیشگرانه
- تسهیل حضور کودکان دارای معلولیت در نظام آموزشی از طریق تأمین هزینه ایاب و ذهاب و مناسب‌سازی مدارس
- گسترش و نظام‌مند کردن حمایت‌های اجتماعی کودکان بازمانده از تحصیل
- تأکید بر «تکلیف دولت به آموزش رایگان» و دسترس‌پذیر کردن امکانات آموزشی برای همگان
- آگاهی بخشی به خانواده‌ها در مورد ضرورت آموزش کودکان و همچنین امکان پیگرد قضایی اولیای متخلف و مجرم دانستن آن‌ها
- تجدیدنظر در برنامه‌های تشویقی برای ازدواج زودهنگام
- تعیین سازمان متولی اصلی و ضرورت هماهنگی تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌ها با نهاد متولی اصلی و پاسخگو کردن این نهاد
- انعطاف‌پذیری ساختار رسمی آموزش‌وپرورش و استفاده از روش‌های روزآمد و کارآمد آموزشی، بدون ضرورت حضور دانش‌آموز در ساعات معین و در مدرسه معین
- تعامل سازنده با ظرفیت‌های اجتماعی و قدرت افزایی سازمان‌های مردم‌نهاد در تصمیم‌سازی‌ها
- استفاده از ظرفیت‌های مدیریت شهری و روستایی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) در زمینه تسهیلگری آموزش به کودکان بازمانده از تحصیل

منابع

- اسلامیان، ایوب (۱۴۰۱) تبیین فرایند ترک تحصیل در مقطع ابتدایی و تدوین خلاصه‌ی سیاستی، رساله دکتری در رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، گروه مددکاری اجتماعی، به راهنمایی ملیحه عرشی و سیامک طهماسبی.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۷ . زمستان ۱۴۰۳
Urban managment
No.77 Winter 2025

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

- امین‌فر، مرتضی (۱۳۶۵) افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش‌وپرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت (آموزش‌وپرورش) ۱۳۶۵ شماره ۷ و ۸، صفحات ۲۵-۷.
- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۹) طرح بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به چرخه آموزش رسمی، ۲۴دی ۱۳۹۹ به نشانی https://www.mcls.gov.ir.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۰) روش‌های پیش‌گیری از افت تحصیلی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ هفتم.
- بیات، موسی و محمدرضا ملاشاهی (۱۴۰۱) گزارش بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش‌وپرورش (۱۴۰۱-۱۳۹۳)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۶۵۲ تاریخ انتشار ۱۴۰۱/۱۰/۱۸
- حدادمقدم، ملیحه و شهبازیان، سعیده (۱۴۰۱) بررسی و تحلیل توزیع فضایی کودکان بازمانده از تحصیل در کشو با استفاده از GIS) پراکنش فضایی بازماندگی از تحصیل)، دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دوره یازدهم، شماره ۲۱، صفحات ۱۴۸-۱۲۸.
- حیدری، آرش؛ صداقت، مریم و میرزایی، علی (۱۴۰۱) فرایندهای تولید و بازتولید بازماندگی از تحصیل در استان سیستان و بلوچستان، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران تابستان، سال ۱۱، شماره ۳۷ ، صفحات ۷۰-۴۷.
- رائیجی، مریم و پیری، یونس (۱۴۰۰) حق بر آموزش با رویکردی بر بازماندگی از تحصیل: مطالعه موردی؛ محله انجیراب گرگان، فصلنامه معارف علوم اسلامی و علوم انسانی پاییز و زمستان ۱۴۰۰، سال ششم، شماره ۲۰، صفحات ۲۴-۵.
- رجبی‌مشهدی، حانیه (۱۴۰۱) بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ سال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، به راهنمایی سعید ملک‌السعادتی.
- رنجه، علی (۱۴۰۱) ترک تحصیل، عواقب و راهکارها، تهران: دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) پیمان‌نامه حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، منتشر شده در وب‌سایت تیم کشوری سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران.
- سیاح، علی و چراغی، مهدی (۱۴۰۰) بررسی عوامل مؤثر بر افراد بازمانده از تحصیل در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه روستاهای استان زنجان، پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، دوره ۲، شماره ۶، صفحات ۹۴-۷۶
- شورای عالی آموزش‌وپرورش (۱۳۸۳) منشور ملی حقوق دانش‌آموز، برگرفته از سایت علمی- پژوهشی آسمان به نشانی http://www.asemankafinet.ir در تاریخ ۱۴۰۳/۴/۲.
- صادقی، مجید (۱۴۰۱) واکاوی عوامل مؤثر بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در نواحی روستایی از دیدگاه والدین و دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، به راهنمایی محبوبه البرزی.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴) مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ موردمطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، صفحات: ۹۱-۶۱.
- کامبیز پوشنه، محمدباقر نوبخت، مریم حسین‌زاده (۱۳۹۸) بررسی تحقق فرصت‌های عادلانه‌ی آموزشی در مقطع ابتدایی شهر تهران بر پایه قانون برنامه پنجم توسعه کشور، فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۲، شماره ۲ ؛ شماره پیاپی ۲۳، صفحات ۱۵۷-۱۸۰
- مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۴۰۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸، منتشر شده در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، منتشر شده در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور.
- معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش (۱۳۹۹) روزنامه خراسان، سال هفتاد و دوم، شماره ۲۰۴۸۸، صفحه ۵، ۹ مهر ۱۳۹۹ به نشانی http://www.khorasannews.com/newspaper/BlockPrint/708133
- میدری، احمد (۱۳۹۷) نود و هفت هزار کودک بازمانده از تحصیل ۶ تا ۱۱ سال، سایت اطلاع‌رسانی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، ۲۳دی ۱۳۹۷، کد خبر۱۳۷ :، ۰۹۸ به نشانی https://www.mcls.gov.ir
- میدری، احمد (۱۳۹۶) طراحی روش جدید برای شناسایی گروه از کودکان بازمانده از تحصیل، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۳ خرداد ۱۳۹۶، کد خبر: ۲۹۴۲۹۵ به نشانی https://dolat.ir/detail/294295
- نوبهاری، مهناز (۱۴۰۰) کودکان در ایران: ارائه گزارشی از وضعیت علل و پیامدهای آن، فصلنامه مطالعات علوم اسلامی انسانی، سال نهم، شماره ۲۵، صفحات ۹-۱.
- وحدتی، هاجره (۱۴۰۳) بررسی علل بازماندگی از تحصیل در بین دانش‌آموزان و عواملی که باعث افت عملکرد درسی آن‌ها می‌شود، تهران: همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، مجموعه مقالات هفدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران رتبه بین‌المللی ، صفحات ۱۰۱۸-۱۰۶.

- Yimer, M. M. (2012). The Challenges of Achieving Universal Primary Education in Ethiopia: A study of out-of-school children in Souther nation, nationalities and people's region(Master's thesis, University of Oslo).
- Hongmei Yi, Linxiu Zhang, Renfu Luo, Yaojiang Shi, DiMo, Xinxin Chen, Carl Brinton, Scott Rozelle (2012). Why are students leaving junior high in China's poor rural areas? ELSEVIER. 32(2012), 555-563.
- Jana, Mrityunjoy, Ee tal, (2014) Dropout Rate at Elementary Level in Two Primary Schools of Backward Area, Paschim Medinipur, West Bengal: A Comparative Approach, American Journal of Educational Research, Vol. 2, No. 12

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]